

سید قاسم زمانی



تأملی بر

مسئولیت بین المللی سازمانهای بین المللی





پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې

پرتال جامع علوم انساني

## ● مقدمه

ماهیت حقوق و تکالیف جامعه حقوقی بین‌المللی متأثر از مسائل جهانی متعددی است که در زمان حاضر حاصل موفقیتها و پیشرفتهای علمی و فنی به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> بروز انقلاب صنعتی و توسعه سریع روابط، رشد نیازهای مشترک جمعی را در سطح بین‌المللی به دنبال داشت. این تحولات به تدریج حصار یگانه تازی کشورها را به لرزه درآورد و «جولانگری انحصاری دولتها در حقوق بین‌الملل را آماج هجوم نهادهایی قرار داد که [هر چند منبعث از اراده دولتها تلقی می‌شدند لیکن] نه می‌شد آنها را در زمره کشورها جای داد نه در مقوله افراد انسانی گنجانند».<sup>۲</sup>

چنین روندی به آرامی در اواسط قرن هفدهم با تشکیل کنفرانسهای بین‌المللی آغاز گردید و با ایجاد کمیسیونهای فنی و اداری، و پیدایش اتحادیه‌های بین‌المللی در نیمه دوم قرن نوزدهم تکامل یافت. بدین ترتیب در قرن بیستم سازمانهای بین‌المللی گوناگون با صلاحیتهای مختلف در کنار دولتها قد برافراشته و با گذشت زمان بیش از پیش در صحنه روابط بین‌المللی نفوذ کردند، تا جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری که خود در بستر همین تحولات سربرآورده

1. Feldman D., "International Personality", RCADI, 1985, vol. 191, p. 357.
2. Sir John fischer williams, "The Legal character of the bank for international settlements", AJIL., 1930, vol. 24., pp. 665, 666.

بود، در نظر مشورتی خویش در سال ۱۹۴۹ در قضیه جبران خسارات وارده به سازمان ملل متحد، سنگ بنای استدلال خود را این گونه نهاد که نوع و ماهیت تابعان هر نظام حقوقی، متغیری از نیازهای آن جامعه می باشد.<sup>۳</sup> دیوان با این رأی خود تا حد زیادی تردیدهای مربوط به شخصیت حقوقی بین المللی سازمانهای بین المللی دولتی و لزوم جبران خسارات وارده به آنان را برطرف کرد و به سازمان اجازه داد در صورت لزوم از کارمندان و مستخدمان خود در قبال دولتها حمایت شغلی بنماید و علیه دولت عامل خسارت طرح دعوا کند.<sup>۴</sup> اما واضح است که سازمانهای بین المللی به لحاظ اشتغالات<sup>۵</sup> خود و به خاطر وسایل و امکاناتی که از آنها در راه نیل به اهداف خویش سود می جویند، دارای این قابلیت هستند که مرتکب اعمال خلاف بین المللی شده و به دیگران خسارت وارد کنند. برای مثال با توجه به افزایش موارد اعزام نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد، گستره عملیات و نوع وظایف محوله بدانها این احتمال بیش از پیش افزون گشته است. همچنین اقدامات آژانس بین المللی انرژی هسته ای و سازمان مربوط به بازرسی از تأسیسات و کارخانه های تولید مواد شیمیایی که در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس در مورد خلع سلاح شیمیایی پیش بینی شده است بالقوه امکان ورود خسارت به دیگران را

### 3. ICJ reports, 1949, p.178.

۴. بدیهی است اگر سازمانی بتواند در سطح بین المللی خواهان و مدعی دعوا قرار گیرد اقامه دعوا علیه وی نیز بلا مانع است. قاضی کریلف در نظر مخالف خود در قضیه مذکور در این مورد ابراز داشت که اکثریت قضات دیوان، حمایت شغلی از کارمند سازمان ملل متحد را، حتی در برابر دولت متبوع وی مدنظر داشته اند لیکن برای مثال وضعیت مقابل این امر که در آن دولت مذکور ممکن است حمایت از مأمور سازمان را علیه اقدامات غیرقانونی خود سازمان مطلوب و ضروری بباید را مورد توجه قرار نداده اند: رک. *Ibid.*, diss opinion Judge krylof, p. 219.

۵. گرچه در برخی تصمیمات قضایی اشتغالات سازمانها (Functions) با اختیارات آنها (Powers) مترادف قلمداد شده اند اما منطقاً اشتغالات به موضوع فعالیت سازمان مربوط می شود لیکن اختیارات بیشتر به اقداماتی دلالت دارد که سازمان می تواند یا باید، اتخاذ کند. با وجود این هنگامی که اختیاری خاص برای ایفای کارکرد و اشتغالی معین ضروری می گردد پیوند میان اشتغالات و اختیارات سازمان اجتناب ناپذیر می گردد. رک.

Skubiszewskik., "Implied Powers of International Organizations", In Dinstein. Y (ed)., "International Law at a Time of Perplexity", Martinus Nijhoff, 1989, p. 858.

بی تردید اگر سازمانهای بین المللی از حقوق و تعهدات بین المللی برخوردار شده و امکان اعمال آن را یافته اند (اهلیت تمتع و استیفا) باید این نکته اساسی را مورد توجه قرارداد که به زعم پروفیسور ماکس هوبر، در قضیه اتباع بریتانیایی منطقه اسپانیایی مراکش، نتیجه ضروری و لازمه یک حق مسؤولیت است و کلیه حقوق دارای خصیصه بین المللی متضمن مسؤولیت بین المللی هستند.<sup>6</sup>

اصول و قواعد ناظر بر مسؤولیت بین المللی آثار حقوقی نقض دیگر قواعد حقوق بین الملل اعم از قواعد قراردادی، عرفی و اصول کلی حقوقی را معین می کنند؛<sup>7</sup> با وجود این همان گونه که گارسیا آمادور مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل در ۱۹۵۸ بدرستی خاطر نشان ساخت: بدشواری بتوان در حقوق بین الملل موضوعی را یافت که از پیچیدگی و تشتت مسؤولیت بین المللی دولتها برخوردار باشد.<sup>8</sup> خوشبختانه کمیسیون حقوق بین الملل با مطالعه و بررسی دقیق و ممتد، در چهل و هشتمین اجلاس خود که از ششم تا ۲۶ جولای ۱۹۹۶ در ژنو برگزار شد طرح پیش نویس راجع به مسؤولیت بین المللی دولتها را تکمیل کرد و تا حدی [به عنوان تدوین و تبلور اصول و قواعد پذیرفته شده عرف بین المللی یا، دست کم دلیلی بر نظریه علمای حقوق] از این سردرگمی کاست.

با وجود این هنوز در مورد مسؤولیت بین المللی سازمانهای بین المللی مطالعات چندانی صورت نگرفته است. با توجه به افزایش نقش سازمانهای بین المللی و اهمیت اساسی مسؤولیت بین المللی برای نظام بین المللی، در این تحقیق سعی بر آن داریم تا از خلال رویه دولتها و سازمانهای بین المللی، اسناد بین المللی، دکترین، رویه قضایی و داوری این سؤال را دنبال کنیم که آیا سازمانهای بین المللی در قبال اعمال خلاف ارتكابی مأموران و ارگانهای خود از مسؤولیت

6. RIAA., II, United Nations, 615, at p. 641.

7. Schwarzenberger G., "A Manual of International Law", London Stevens & sons, 1967, p. 173.

8. Garcia-Amador. F. V, "State Responsibility, Some New Problems", RCADI., 1958, vol. 94, p. 21.

بین المللی برخوردارند یا اینکه مسؤولیت بین المللی از محدوده روابط دولتها فراتر نمی رود؟ آنگاه در پی آن خواهیم بود که استقلال و بیوستگی نظام حقوقی مسؤولیت بین المللی سازمانهای بین المللی نسبت به مسؤولیت بین المللی دولتها تا چه میزان است و تا چه حد می توان از اصول و قواعد ناظر بر مسؤولیت بین المللی دولتها در این عرصه نسبتاً جدید استفاده کرد؟



شخصیت حقوقی در هر سیستم حقوقی متغیری از ملاحظات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سیستماتیک مربوط به آن نظام حقوقی بوده است<sup>9</sup> و مبین قابلیت برخورداری، پذیرش و اجرای حقوق و تعهدات می باشد. در نظامهای داخلی که از تمرکز، انسجام و رشد نسبتاً کاملی برخوردارند قانونگذار با توجه به نیازهای زیست اجتماعی، شرایط تلقی یک نهاد را به عنوان شخص حقوقی معین می سازد، نهادی که گاه برای دیگران امری نامأنوس جلوه می کند (مثل شرکت یک نفره در حقوق انگلیس<sup>10</sup>). بی تردید در این عرصه دولت به اعتبار حاکمیت خود، شناسایی چنین شخصیت حقوقی را به افراد و نهادهای تحت حاکمیت و صلاحیت خویش تحمیل می کند.<sup>11</sup>

در حقوق بین الملل اصولاً یک نهاد و تأسیس حقوقی در صورتی می تواند دارای حقوق و تکالیف بین المللی شود و آنها را به اجرا گذارد که شخصیت حقوقی بین المللی داشته باشد. در قضیه جبران خسارات وارده به ملل متحد،

9. Institute of International Law, "The legal Consequences for Member States of the Nonfulfilment by International Organizations of Their Obligations toward Third Parties", Yearbook (YIIL.) 1995. Vol. 66, Zemanek, p. 326.

10. Pennington R.R., "Company Law", Sixth ed., Butterworths, 1990, pp. 39-40.

11. Cheng Bin, "Introduction to Subjects of International Law", In Bedjaoui M., "International Law: Achievements and prospects," Unesco., 1991, pp. 34-35.

دیوان بین‌المللی دادگستری چهار شرط برای مسجّل شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان تعیین نمود. دیوان دریافت که منشور (۱) فراتر از صرف ایجاد مرکزی برای هماهنگی اقدامات ملل در نیل به اهداف مشترک گام برداشته است (ماده یک بند چهار) و (۲) آن مرکز را با ارگانهای خاصی تجهیز کرده و (۳) وظایفی خاص بدان اعطا کرده است. دیوان احراز نمود که (۴) سازمان در برخی جوانب وضعیتی مستقل از اعضای خود به دست آورده است.<sup>۱۲</sup>

شخصیت حقوقی دولت به علت بنا شدن بر حقوق بین‌الملل عام فارغ از قید و بند است،<sup>۱۳</sup> ولی شخصیت حقوقی سازمانها فقط در محدوده اهداف و اشتغالشان، یعنی براساس معاهده مؤسس سازمان موجودیت می‌یابد.<sup>۱۴</sup> استقرار شخصیت حقوقی هر سازمان بر مبنای حقوق بین‌الملل خاص، به دلیل پوزیتیویسم حقوقی تأثیری اساسی در ممانعت از تجلی عینی آن شخصیت حقوقی در عرصه بین‌المللی داشته است. بر این اساس جز در مورد سازمان ملل متحد<sup>۱۵</sup> که به علت عضویت قریب به اتفاق کشورها در سازمان، و ماهیت اهداف و اشتغالات،

12. Rama-Montaldo M., "International Legal Personality and Implied Powers of International Organizations", *BYIL.*, 1970, p. 125.

۱۳. شاید به همین خاطر است که ماده ۲ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولتها هر دولتی را به علت ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی دارای مسؤولیت بین‌المللی تلقی کرده است: رک.

Ginther K, "International Organizations, Responsibility", *Encyclopedia of Public International Law (EPIL).*, 1983, vol. 5., p. 162.

14. Bindschedler R. L., "International Organizations, General Aspects", *EPIL.*, 1983, vol. 5., p. 130.

۱۵. شایان ذکر است که گرچه به هنگام تأسیس سازمان ملل متحد تا حد زیادی بر سر این نکته اتفاق نظر بود که سازمانهای بین‌المللی می‌توانند شخصیت بین‌المللی مستقل از دول عضو داشته باشند اما در مورد اعطای صریح اهلیت بین‌المللی کامل به سازمانها تردید وجود داشت. برخورد محافظه‌کارانه ماده ۱۰۴ منشور ملل متحد علت این تردید بارز می‌باشد. این ماده عمداً از اشاره صریح به شخصیت حقوقی بین‌المللی ملل متحد امتناع ورزیده است. رک.

Lauterpacht H., "The Subjects of the Law of Nations", *The Law Quarterly Review*, 1947, vol. 63., p. 447.

شخصیت حقوقی عینی آن<sup>۱۶</sup> توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مورد شناسایی قرار گرفت،<sup>۱۷</sup> چنین امری در مورد سایر سازمانهای بین‌المللی مصداق ندارد<sup>۱۸</sup> و دول غیر عضو الزامی به پذیرش شخصیت حقوقی بین‌المللی آن سازمانها نداشته و شناسایی چنین شخصیتی توسط آنها عنصری لازم تلقی می‌شود.<sup>۱۹</sup>

برخی معتقدند سازمانهای بین‌المللی زمانی موجودیت می‌یابند که ما با ارگانهایی بین‌المللی مواجه باشیم که تابع صلاحیت هیچ کشوری نباشند و نه از طرف دولتها بلکه مستقلاً تعهداتی را بپذیرند. این عوامل مبنای موجودیت عینی سازمان را تشکیل می‌دهند؛ و از این رو این واقعیت که معاهده مؤسس سازمان اثری نسبت به ثالث ندارد مسأله‌ای بی‌ربط می‌باشد. به همین خاطر دیوان عالی ایالت نیویورک در دعوی شورای بین‌المللی قلع علیه Amalgamet Inc بدون ملاحظه این امر که ایالات متحد عضو شانزدهمین موافقتنامه بین‌المللی قلع نبود و قانونی داخلی برای شناسایی موجودیت و وضعیت آن شورا در امریکا به تصویب نرسانده بود شورای بین‌المللی قلع را از نظر قانون امریکا یک نهاد حقوقی تلقی

۱۶. پروفیسور بین چنگ ضمن اذعان به احترام زیادی که برای رأی دیوان در قضیه جبران خسارات قائل است ادعای دیوان را در مورد شخصیت عینی ملل متحد عاری از حقیقت قلمداد می‌کند. به اعتقاد وی دیوان خود، حق سازمان را برای طرح دعوا بر نقض عهد دولت غیر عضو در قبالی سازمان مبتنی ساخته است. بی‌تردید در وارد شدن به چنان تعهدی دولت غیر عضو قبلاً شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان و اهلیت آن را برای تضمین رعایت حقوق خود مورد شناسایی قرارداده است (op.cit., p.37). به نظر می‌رسد این استدلال پروفیسور چنگ تا آنجا که به نقض تعهدات قراردادی میان سازمان و دولت غیر عضو مربوط شود راست بنماید زیرا در تکوین چنین تعهداتی طرفهای آن دست کم به طور ضمنی شخصیت حقوقی یکدیگر را شناسایی کرده‌اند. لیکن در مورد تعهدات غیر قراردادی به علت فقدان رابطه صریح قبلی، بعید است بتوان قائل به چنین شناسایی شد. جدای از این نکته در تحکیم شخصیت عینی ملل متحد می‌توان به بند ۶ ماده ۲ منشور استناد کرد که مقرر می‌دارد: «سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند، تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضرورت دارد برطبق این اصول عمل نمایند».

17. ICJ Reports, 1949, p. 185.

18. Kindred H. M., "The Protection of Peacekeepers", Canadian Yearbook of International Law (CYIL), 1995., p. 278.

19. Bindschedler, loc. cit.



کرد.<sup>20</sup> پرواضح است که دادگاه عالی نیویورک کارکرد و عملکرد شورای بین المللی قلع را در سطح بین المللی مطمح نظر قرار داده است و بر این ضرورت توسل بسته است که «وقتی هیچ سیستم نهادینی برای شناسایی و ثبت تجمعات، به عنوان اشخاص حقوقی وجود نداشته باشد ملاک اساسی در این مورد معیار شغلی و کارکردی است».<sup>21</sup>

برخی حتی گام را از این حد نیز فراتر نهاده، معتقدند که سازمانهای بین المللی همانند دولتها دارای اهلیت حقوق ذاتی برای اجرای هرگونه عمل حاکمه یا بین المللی هستند به شرط آنکه عملاً قادر به اجرای آن باشند.<sup>22</sup> با وجود این به خوبی پیداست که حقوق و تکالیف یک سازمان بین المللی به اهداف و اشتغالات صریح یا ضمنی آن که در سند مؤسس ذکر شده است یا از رهگذر رویه سازمان توسعه یافته، محدود می شود؛ در حالی که دولت دارای اهلیت کامل می باشد.<sup>23</sup> چنین تلاشی برای آنکه دولتها و سازمانهای بین المللی را به عنوان تابعان حقوق بین الملل در یک سطح قرار دهد منجر به انتقال خودسرانه و تصنعی مفاهیم از یک عرصه به قلمروی دیگر می شود. نویسنده مذکور این واقعیت غیرقابل انکار را نادیده گرفته است که اساسنامه های سازمانهای بین المللی نه فقط اهداف سازمان را به دست می دهند بلکه اشتغالات آن را نیز معین می کنند.<sup>24</sup> در این مورد می توان به نظر مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه کمیسیون اروپایی دانونب استناد کرد که اعلام شد از آنجا که کمیسیون اروپایی نه یک دولت، بلکه یک شخص بین المللی است، فقط دارای کارکردهایی است که از

20. perkerr LJ 3 A.E.R., 1980 at 297, In YIIL., op. cit., p. 276.

21. Brownlie. I "Principles of Public International Law", Oxford, 1990, p. 680.

22. Finn Seyersted, "Objective Personality of Intergovernmental Organizations", 1963, pp. 28-29.

23. Menon p. k., "International Organizations as Subjects of International Law", Revue de Droit International de Sciences Diplomatiques et Politiques (RDISDP.), 1992, vol. 70, No. I, p. 64.

24. Rama - Montaldo, op. cit., pp. 120, 121.

رهگذر اساسنامه کمیسیون جهت تحقق هدفی خاص برای آن پیش بینی شده باشد.<sup>۲۵</sup>



شخصیت حقوقی به معنای اهلیت برخورداری از حقوق و تابع تکالیف قانونی واقع شدن، انجام اعمال حقوقی، اقامه دعوا و تحت تعقیب قرار گرفتن است.<sup>۲۶</sup> آثار شخصیت بین المللی سازمان شامل اشتغالات، وظایف، حقوق، امتیازات و مسؤولیتها می شود.<sup>۲۷</sup> به همین لحاظ در پاراگراف مقدماتی کنوانسیون ۱۹۸۶ وین راجع به معاهدات میان دولتها و سازمانهای بین المللی و بین خود سازمانهای بین المللی جنبه کارکردی شخصیت حقوقی سازمانهای بین المللی مبنای صلاحیت آنها در عقد معاهده قرار گرفته است، زیرا اهلیت انعقاد معاهده برای اعمال وظیفه و اجرای اهداف سازمانها ضروری قلمداد شده است.<sup>۲۸</sup>

بی تردید یکی از تجلیات شخصیت حقوقی، مسؤولیت در اثر نقض حقوق بین الملل است<sup>۲۹</sup>؛ منتهای مراتب اگر سازمانی بین المللی واجد شخصیت حقوقی جداگانه و مستقلی از دول عضو خود باشد منطقاً مسؤول اعمال خود تلقی

25. PCIJ., 1927, ser B, No. 14, p. 64.

26. Kelsen. H., "The Law of the United Nations", London Stevens, 1957, p. 329.

27. Bowett D. W., "The Law of International Institutions", London, Stevens, 1982, p. 339.

28. Morgenstern. F., "The Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations", In Dinstejn, op. cit., p. 441.

29. Brownlie I., "International Law at the Fiftieth Anniversary of the United Nations", RCADI., 1995, vol. 255, p. 52.

می شود.<sup>۳۰</sup> دیوان بین المللی دادگستری در قضیه جبران خسارات وارده به سازمان ملل متحد در این مورد ابراز داشت که برخورداری سازمان ملل متحد از شخصیت بین المللی به معنای آن است که سازمان قادر به دارا بودن حقوق و تعهدات بین المللی می باشد.<sup>۳۱</sup> برای مثال سازمان می تواند مستقلاً به عقد معاهدات بین المللی با دیگر دولتها یا سازمانهای بین المللی مبادرت ورزد (ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۸۶ وین).

اما آیا استقلال سازمان و انفکاک شخصیت حقوقی آن از دول عضو به معنای نفی کامل مسؤولیت بین المللی دولتهای عضو در قبال اعمال خلاف بین المللی سازمان ذی ربط می باشد؟ برخی بر این باورند که براساس نظامهای حقوقی ملی می توان شرکتهای با مسؤولیت محدود ایجاد کرد. این امر اشخاص طبیعی را تحت شرایط خاصی قادر به ایجاد شخصیتی حقوقی می کند که دیگر آنها خود شخصاً مسؤول اعمال آن نهاد جدید نیستند؛ اما در حقوق بین الملل چنین مقرراتی به چشم نمی خورد. براین اساس حتی اگر سازمانهای بین المللی به عنوان اشخاص بین المللی طبق حقوق بین الملل مسؤول اعمالی باشند که انجام می دهند این امر نمی تواند نافی مسؤولیت فرعی دول عضو باشد.<sup>۳۲</sup>

در همین راستا حتی برخی پای را فراتر نهاده اند. در مذاکراتی که منجر به اتخاذ کنوانسیون راجع به مسؤولیت بین المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی (۲۹ مارس ۱۹۷۲) گردید، کشورهای بلوک شرق منکر این امر بودند که سازمانهای بین المللی، موجودیتی مجزا از اعضای خود داشته باشند، و معتقد بودند که صرف عضویت در سازمانی بین المللی تغییری در تعهدات ناشی از فعالیتهای فضایی دول عضو ایجاد نمی کند.<sup>۳۳</sup> این نظر در آرای قضایی و داوری نیز تا حدی

30. YILC., 1975, vol. I, p. 46, Para. 35.

31. ICJ Reports, 1949, pp. 174 - 179.

32. Schermers H., "International Institutional Law", Sijthoff, 1980, p. 780.

33. E. g. Romania, A/AC. 105 c. 2/SR. 121, p. 2/ Bulgaria, Ibid, SR, 122, p.5., In Foster. W. F., "The Convention of International Liability Caused by Space Objects", CYIL., 1972, pp. 179-183.

مورد پیروی واقع شده است. در قضیه

**Westland Helicopters Ltd. v Arab Organization for Industrialisation**

که در سال ۱۹۸۴ در اطاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) مورد رسیدگی قرار گرفت مسأله شخصیت حقوقی سازمان خواننده و مسؤولیت غیر مستقیم چهار دولت عضو آن مطرح گردید. محکمه داوری در رأی نهایی خود خاطر نشان ساخت که انتساب صریح شخصیت حقوقی به سازمان مذکور، به معنای استثنای مسؤولیت چهار دولت عضو نمی باشد. به اعتقاد دادگاه در فقدان مقرراتی صریح یا ضمنی جهت رفع مسؤولیت دول عضو، این مسؤولیت باقی است، زیرا به عنوان قاعده‌ای کلی کسانی که در معاملات دارای ماهیت اقتصادی شرکت دارند مسؤول ایفای تعهدات ناشی از آن معاملات می باشند. این قاعده از اصول کلی حقوقی و حسن نیت نشأت می گیرد.<sup>۳۴</sup>

همچنین در دعوای مربوط به شورای بین‌المللی قلع که در سال ۱۹۸۸ به دادگاه استیناف انگلستان رسید، قاضی Nourse در مخالفت با اکثریت ابراز داشت که انتساب شخصیت حقوقی به سازمانی بین‌المللی ضرورتاً اعضای سازمان را از مسؤولیت ایفای تعهدات آن سازمان معاف نمی سازد، زیرا زمانی که دولتها مشارکت و کنترل گسترده‌ای را در امور سازمانی اعمال می کنند فرض بر پذیرش مسؤولیتهای ناشی از التزامات و تعهدات آن سازمان می باشد. به نظری حمایت از طرفهای ثالث، مسؤولیت فرعی و ثانویه دول عضو سازمان را مطلوب و ضروری می سازد.<sup>۳۵</sup>

بعضی معتقدند که مسؤولیت یک دولت عضو به خاطر تصمیمات سازمان، باید به این واقعیت بستگی داشته باشد که آیا عضو مذکور می توانست با اقدام خود از اتخاذ تصمیم مربوطه جلوگیری کند یا نه.<sup>۳۶</sup> پرواضح است که اگر یک

34. ILM (23), 1984, p. 1084.

35. A.E.R., 1988, 3, pp. 332-333. In YIIL., op. cit., p. 260.

36. Hohenveldern. I.S., "Responsibility of Member States of an International Organization for Acts of that Organization", In Milano-dott.A. Giuffrè (ed), "International Law at the Time of Its Codification", Essays in Honour of Roberto Ago, vol. III, 1987, p. 420.

سازمان دارای اراده‌ای جداگانه و مستقل باشد تداوم نقش دول عضو از طریق ارگانهای سازمان، در حیطه مسؤولیت اعضا به خاطر اعمال آن سازمان باید خنثی تلقی شود. مضافاً بر اینکه اگر تداوم مشارکت و کنترل، معیار و محک مسؤولیت دول عضو قرار گیرد این امر توالی فاسد زیادی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله اینکه دولتهای عضو باید فقط مسؤول تصمیمات اتخاذی در ارگانهایی باشند که در آن نماینده دارند و یا فقط دولتهایی مسؤول تصمیم منشأ خسارت قلمداد شوند که نماینده شان بدان تصمیم رأی مثبت داده است. هر چند اغلب سازمانهای بین المللی بسیط نبوده و موجودیتی مختلط دارند لیکن یک کل جدا ناپذیرند و از موجودیت واقعی برخوردارند.<sup>۳۷</sup> به همین خاطر در قضیه مربوط به شورای بین المللی قلع حکم داده شد که خود سازمان - و نه اعضای آن - مسؤول ایفای تعهدات می باشد.

علاوه بر این به لحاظ نوع اقدامات شورای بین المللی قلع در مقابل دادگاه استدلال شده بود که جبران خسارات و سایر اختیارات مربوط به شخصیت حقوقی بین المللی فقط در مورد سازمان ملل متحد مصداق دارد و سازمانهایی که اعمال تصدی انجام می دهند، نمی توانند پشت حجاب شخصیت حقوقی، مسؤولیت دول عضو را لوث نمایند. دادگاه در حکم خود بیان داشت که البته اهداف اساسی ملل متحد کلاً متفاوت از اهداف سازمانهایی چون شورای بین المللی قلع می باشد. اما این واقعیت که شورا عمدتاً برای انجام فعالیتهای تجاری ایجاد شده در حالی که ملل متحد برای اهداف اداری و مشابه آن وارد قرارداد می شود، دلیل تمایز قائل شدن میان آنها به عنوان نهادهای حقوقی نمی شود.<sup>۳۸</sup> البته نباید فراموش کرد که تفاوت میان اعمال تصدی و حاکمیت در قلمرو برخورداری سازمان از مصونیت در مقابل دادگاههای داخلی کاملاً موجه و بجای می باشد، اما این تفکیک موجب تجزیه شخصیت حقوقی سازمان در قبال وقایع و اعمال حقوقی مختلف نمی شود. حکم دادگاه داور در قضیه وستلند هلی کوپترز از قیاس سازمانهای

37. Higgins R., In YIIL., Ibid., p. 261.

38. E. R., 1988, 3, 257, at 297, In YIIL., Ibid., p. 256.

بین المللی با شرکتهای تجاری در حقوق داخلی نشأت گرفته است، که در صورت سکوت اساسنامه در مورد نوع شرکت، جهت حمایت از اشخاص ثالث، فرض شده که شرکت مذکور تضامنی است (ماده ۲۲۰ قانون تجارت ایران) و اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام دیون آن کافی نباشد هر یک از شرکا مسؤول پرداخت تمام قروض شرکت می باشد (ماده ۱۱۶). اما نباید از یاد برد که سازمانهای بین المللی باید در چارچوب خود بررسی و تحلیل شوند و قیاس آنها با شرکتهای تجاری به لحاظ تفاوت در ساختار و ماهیت و هدف، قیاسی مع الفارق می باشد. به همین خاطر انستیتوی حقوق بین الملل در قطعنامه سال ۱۹۹۵ خود، در مورد آثار حقوقی عدم اجرای تعهدات بین المللی سازمان در قبال طرفهای ثالث برای دول عضو سازمان، در ماده ۶ بیان می دارد: «هیچ قاعده عمومی در حقوق بین الملل وجود ندارد که بر آن اساس دول عضو به صرف عضویت، به صورت متقارن یا فرعی مسؤول تعهدات آن سازمان بین المللی باشند که عضو آن هستند.»<sup>۳۹</sup> در تأیید این نکته می توان به گزارشهای کمیسیون حقوق بین الملل در مورد معاهدات منعقدہ توسط سازمانهای بین المللی و اثر آنها نسبت به طرفهای ثالث استناد کرد. مخبر ویژه کمیسیون در اولین گزارش خود در مورد حقوق معاهدات سازمانهای بین المللی نظری را ابراز داشت که بعداً مورد تأیید شرکت کنندگان در کنفرانس وین قرار گرفت. به اعتقاد وی دولتهای عضو یک سازمان باید در مورد معاهدات منعقدہ سازمان، کم و بیش دول ثالث محسوب شوند.<sup>۴۰</sup>

بر این اساس به لحاظ برخورداری سازمانهای بین المللی دولتی از شخصیت حقوقی جداگانه و مستقل از دول عضو، خود سازمان مسؤول ایفای تعهدات خویش می باشد<sup>۴۱</sup> مگر اینکه اعضا صراحتاً چنین مسؤولیتی را پذیرفته باشند. در واقع بر

39. YIIL., 1995, p. 466.

40. YILC., 1972, vol. II., p. 197.

۴۱. حتی زمانی که سازمانی بین المللی منحل شود به اعتقاد شیها تا و امراسینگ مطالبات طلبکاران سازمان از طریق اموال سازمان تسویه می شود بدون اینکه اعضای سازمان مذکور مسؤولیتی در تأدیه دیون مازاد بر دارایی سازمان داشته باشند. رک.

YIIL., 1995, pp. 313, 359.

طبق ماده ۵ قطعنامه انستیتوی حقوق بین الملل، راجع به آثار حقوقی عدم اجرای تعهدات سازمانهای بین المللی در قبال طرفهای ثالث برای دول عضو، چنین آثار و نتایجی با مراجعه به قواعد و مقررات سازمان یعنی سند مؤسس، اصلاحیه های آن، مقررات اتخاذی برطبق سند مؤسس، تصمیمات و قطعنامه های لازم الاتباع اتخاذی بر اساس آن اسناد و رویه مستقر سازمان معین می شود.<sup>۴۲</sup> برای مثال طبق بند ۲ ماده ۲۲ کنوانسیون راجع به مسؤولیت بین المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی اگر یک سازمان بین المللی دولتی از رهگذر فعالیتهای فضایی باعث خسارت شود سازمان مذکور و اعضای آن که عضو این کنوانسیون هستند متفقاً و جداگانه مسؤول خواهند بود، مشروط بر آنکه اولاً هر درخواست غرامت، اول به خود سازمان تسلیم شود، و فقط در صورتی که سازمان این خسارت را در ظرف شش ماه جبران نکرد مدعی می تواند برای دریافت غرامت به مسؤولیت آن اعضای سازمان که طرف این کنوانسیون هستند استناد کند. با وجود این همان گونه که در این مورد مشاهده می شود خواهان حتی پس از معین شدن میزان غرامت نمی تواند به انتخاب خود پرداخت کننده آن را برگزیند، بلکه اول باید در پی دریافت غرامت از سازمان برآید، منتها در صورت کوتاهی و قصور (و به طریق اولی ناتوانی) سازمان از پرداخت غرامت می تواند به سراغ اعضای آن سازمان برود.<sup>۴۳</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نقطه شروع مسؤولیت زمانی است که قابلیت انتساب پایان می یابد.<sup>۴۴</sup> بدین لحاظ قابلیت انتساب در حقوق مسؤولیت بین المللی از مسائل بسیار حساس و مهم می باشد. این مفهوم در حقوق بین الملل تا حدی در پرتو اصلی قرار می گیرد

42. Ibid., 1996, p. 301.

43. Foster, op. cit., p. 182.

44. Starke J. G., "Imputability in International Delinquences", BYIL., 1938, p. 106.

که می‌توانیم آن را نمایندگی واقعی و عملی (Factual Agency) در نظامهای حقوقی داخلی بنامیم.<sup>۴۵</sup>

مع‌هذا سازمانهای بین‌المللی مثل دولتها، فی حد ذاته شخصیت‌های فعالی نیستند، بلکه در عالم واقع ارگانها و کارمندان سازمان از طرف آن انجام وظیفه می‌کنند. "از طرف دیگر اصولاً مسؤولیت بین‌المللی متوقف بر ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی توسط یکی از تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشد. از این رو برای آنکه مسؤولیت بین‌المللی یک سازمان محقق شود، عمل خلاف ارتكابی باید به سازمان مذکور منتسب شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس مواد خود راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولتها، انتساب رفتار ارگان عمل‌کننده در اهلیت و ظرفیت خود (مواد ۵ و ۱۰) و اشخاص یا گروههایی که عملاً از طرف آن دولت اقدام می‌کنند (ماده ۸) را به آن دولت، منوط به قانون داخلی ندانسته است. به نظر می‌رسد چنین امری قابل قیاس با یک سازمان بین‌المللی می‌باشد."<sup>۴۶</sup> مسؤولیت بین‌المللی و قابلیت انتساب عمل به سازمان براساس اصل کنترل مؤثر، تقویم و ارزیابی می‌شود و اهلیت حقوقی محدود هر سازمان در این مورد باید

45. Higgins, op.cit., p. 283.

۴۶. در تعریف واژه کارمند یا مستخدم سازمان بین‌المللی می‌توان به نظر مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی راجع به صلاحیت سازمان بین‌المللی کار استناد کرد. به نظر دیوان مأمور یا کارمند سازمان عبارت است از هر شخصی که - چه رسماً از سازمان حقوق دریافت نماید یا خیر و به طور دائم برای سازمان کار کند یا به صورت موقت به وسیله ارگان سازمان عهده دار انجام یا کمک به اجرای وظایف آن ارگان شده باشد؛ و به طور خلاصه هر شخصی که سازمان از رهگذر آن عمل نماید. [PCIJ., 1926, ser. B, No. 13, p. 18] در مورد توصیف یک ارگان یا مأمور دولتی براساس ماده ۵ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل معیار حاکم نظام حقوقی داخلی دولت مربوطه می‌باشد. منتهای مراتب باید توجه داشت که در این مورد به شکل و ظاهر نظام حقوقی آن دولت اکتفا نمی‌شود زیرا در مواقع ضروری این وضعیت بویژه در مورد افراد غیر رسمی مصداق می‌یابد. به همین خاطر در بسیاری از موارد آنچه یک ارگان یا مأمور دولتی قلمداد می‌شود موضوعی عینی و واقعی است. رک.

Brownlie I., "System of the Law of Nations, State Responsibility", part I, oxford., 1983, p. 136.

47. Gaja. G., "some Reflections on the European Community's International Responsibility", In schermers H.G., Heukels T and Mead. ph. (eds), "Non-contractual Liability of the European Communities", Martinus Nijhoff, 1988, p. 170.



مطمح نظر واقع شود.<sup>48</sup> در مورد مسؤولیت بین المللی دولت، دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه خاطر نشان ساخت: برای آنکه کمکهای امریکا به شورشیان کنتررا، باعث شود که ایالات متحد مسؤولیت اعمال آنها را به دوش کشد باید ثابت گردد که آن دولت بر عملیات نظامی و شبه نظامی ای که در جریان آنها نقضهای ادعا شده صورت گرفته، کنترل موثر داشته است.<sup>49</sup> آشکار است کنترلی که یک دولت در قلمرو خود اعمال می کند انحصاری و وسیع می باشد؛ و به همین خاطر حقوق بین الملل مسؤولیت گسترده ای بر آن دولت در مورد وقایع محقق شده در داخل سرزمین خود تحمیل می کند. لیکن به علت محدود بودن دامنه و قلمرو کنترل سازمانهای بین المللی، مسؤولیت احتمالی آنها نسبتاً کمتر از مسؤولیت یک دولت است.<sup>50</sup>

بر اساس نظر کمیسیون حقوق بین الملل در تفسیر ماده ۱۳ طرح پیش نویس راجع به مسؤولیت دولتها، اعمال ارگانهای یک سازمان بین المللی که متضمن نقض تعهد بین المللی آن سازمان باشد منشأ مسؤولیت آن سازمان به شمار می رود و برای اینکه نتیجه عمل ارگان یا مأمور، دامنگیر خود سازمان شود، آنها باید در آن مورد خاص در حیطة صلاحیت و در قالب اهلیت خود عمل کرده باشند، یعنی به نام و از طرف سازمان در اعمال اشتغالات و تحت کنترل انحصاری سازمان اقدام کرده باشند.<sup>51</sup> به همین خاطر معاهدات مؤسس جوامع اروپایی صریحاً مقرر داشته اند که جوامع مسؤول خساراتی می باشند که توسط کارمندان آنها در اجرای وظایفشان ایجاد شده است (بند ۳ ماده ۳۱۵ معاهده جامعه اقتصادی اروپا، بند ۳ ماده ۱۸۸ اوراتوم و ماده ۴۰ بند ۲ جامعه زغال سنگ و فولاد). با وجود این فقط اعمال

48. Eagleton C., "International Organizations and the Law of Responsibility", RCADI., 1950, vol. 76, pp. 399- 403.

49. ICJ Reports, 1986, pp. 64-65.

50. Eagleton., Ibid., p. 386.

51. YILC., 1975., vol. II, p. 90.

رسمی کارمندان می تواند منجر به مسؤولیت جوامع شود<sup>52</sup> و نه اقداماتی که آنها در مقام افراد خصوصی و در آن سمت انجام داده اند. در مورد مفهوم و قلمرو «اعمال انجام شده در حیطه وظایف کارمندان جوامع اروپایی» آرای متعددی از طرف محاکم داخلی کشورهای عضو و دیوان دادگستری جوامع اروپایی، با توجه به نوع مأموریت‌های محوله و زمان انجام آنها به ویژه در مورد تصادفات رانندگی صادر شده است. نکته جالب توجه آن است که دیوان دادگستری جوامع با توجه به لزوم جبران خسارت زیاندیدگان، و این واقعیت که اعمال اجرا شده در حیطه وظایف کارمندان، تحت سیطره اصل مصونیت قرار می گیرد همواره سعی کرده است که عمل رسمی را به صورتی مضیق تفسیر نماید. دیوان با مقرر داشتن این امر که عمل در سمت رسمی فقط در مواردی استثنایی می تواند صورت پذیرد که عمل مذکور نتواند به طریقی دیگر تحت اختیار جامعه و توسط کارمندان خود آن انجام شود؛ شدیداً مفهوم عمل رسمی را به خاطر مانع مصونیت محدود کرده است<sup>53</sup>. این سیاست قضایی دیوان متأثر از ملاحظات منصفانه و لزوم جبران خسارت از زیاندیدگان بوده است.

نباید فراموش کرد که عمل اجرایی مأمور در تجاوز از حیطه صلاحیت خویش یا در عدم تبعیت از فرامین دولتی نیز به دولت وی منتسب می شود، در غیر این صورت مسؤولیت بین المللی دولت به سرایی بیش نمی ماند؛ زیرا به مأمور دولت بندرت دستور یا اجازه داده می شود که مرتکب عمل خلاف شود. آنچه مهم است آن است که مأمور در ظاهر در سمت ارگان آن دولت عمل کرده باشد، خواه به لحاظ آنکه چنان امری در حین اعمال وظایفشان صورت گرفته، یا تحت پوشش ماهیت رسمی عمل وی محقق گردیده است<sup>54</sup>. چنین نکته ای منطقی در مورد مأمورین و کارمندان سازمانهای بین المللی نیز مصداق می یابد؛ زیرا استواری

52. Shermers H. G, "Official Acts of Civil Servants", In schermers, Heukels and Mead, op. cit., p. 75.

53. Second Sayag case. 9/69, 1969, E.C.R., In Ibid., p. 79.

54. Aréchaga E. J. and Tanzi A., "International State Responsibility", In Bedjaoui., op. cit., p. 358.

پیوند میان کارمند بین المللی با سازمان خود کمتر از رابطه بین یک مأمور و دولت وی نیست. در تأیید این امر می توان به ماده ۱۰۰ منشور سازمان ملل متحد استناد کرد که نه فقط لازم می دارد کارمند سازمان دستورات دولت متبوع خود را رد کند و فقط در انجام وظایف از سازمان کسب تکلیف کند؛ بلکه مقرر داشته است که کشورهای عضو سازمان هیچ کنترلی را بر اتباعشان در ایفای وظیفه خود به عنوان کارمندان ملل متحد روا نمی دارند.

انتساب اعمال خلاف مأمورین سازمان بین المللی به سازمان مربوط در اقدامات نیروهای حافظ صلح ملل متحد و پذیرش مسئولیت کارهای آنها توسط سازمان ملل کاملاً مشهود است. اما باید توجه داشت «تا آنجا که به مسئولیت ملل متحد در این مورد مربوط می شود باید میان اعمال مجرمانه براساس قانون داخلی کشور متوقف فیه؛ که از وظایف رسمی اعضای نیرو نشأت نمی گیرد (مثل تجاوز به عنف و سرقت)؛ و اعمالی که در قالب وظایف رسمی انجام شده است قائل به تمایز گردیم. در مورد اول اصولاً تنها تعهد ملل متحد آن بوده که تمام قدرت و توان خود را برای تحقیق در مورد جرم ادعا شده بکار گیرد و اصرار ورزد که کشور ذی ربط شرکت کننده در عملیات، تعهد خود را در مجازات مجرم عملی سازد. مواد ۱۳ و ۲۹ راجع به مقررات ناظر بر نیروهای ملل متحد در کنگو حاکی از آن هستند که مسئولیت نهایی برای عمل انضباطی و تنبیه کیفری هر دو به عهده مقامات دولت شرکت کننده می باشد. در مورد دوم که اعمال مجرمان اقدامات رسمی هستند روشن است که ملل متحد باید پذیرای مسئولیت ناشی از این اعمال باشد.»<sup>۵۵</sup> برای مثال در این مورد می توان به موافقتنامه های منعقد شده توسط ملل متحد در ۱۹۶۵، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ با بلژیک، یونان، ایتالیا، لوکزامبورگ و سوئیس در مورد پرداخت غرامت به خاطر خسارات وارده به اشخاص و اموال اتباع آن کشورها، در اثر عملیات نیروهای ملل متحد در کنگو اشاره کرد. در واقع از این رهگذر سازمان ملل متحد با اثبات این امر که مأمورین سازمان واقعاً باعث خسارت غیر موجه به دیگران شده اند مسئولیت اعمال آنها را پذیرفت. مع هذا در این مورد ملل متحد فقط

55. Bowett D. W., "United Nations Forces, A Legal Study of United Nations Practice", London, Stevens & sons, 1964, p. 246.

مسئولیت ناشی از اعمال تحت اختیار خود را عهده دار گردید. « سازمان هیچ گونه مسئولیتی را در مورد خدمه هواپیماهای دولتهایی که، برای حمل ملزومات ملی مورد نیاز واحدهای خود در کنگو بکار گرفته شده بودند را نپذیرفت. »<sup>۵۶</sup> خلاصه کلام آنکه در این مورد دو فرض را می توان مطرح ساخت. یکی آنکه اعمال موجود خسارات اقداماتی غیرقانونی یعنی خارج از حیطه اختیارات و مأموریتهای نیرو بوده اند. دوم آنکه آن اعمال ناقض اصول و روح حاکم بر کنوانسیونهای عام بین المللی باشند که در مورد رفتار پرسنل نظامی قابل اعمال هستند. چنین اعمالی مبنای دعوایی صحیح برای مطالبه غرامت از ملل متحد را تشکیل می دهند، مشروط بر آنکه به ملل متحد قابل انتساب باشند خواه به دلیل آنکه در اجرای وظایف رسمی صورت گرفته اند، تحت اختیاری ویژه محقق شده اند یا با تأیید بعدی ملل متحد که از رهگذر دبیرکل یا احتمالاً افسر یا فرمانده مسؤول عمل می کرده اند مواجه شده باشند.<sup>۵۷</sup>

همچنین آژانس بین المللی انرژی اتمی بر اساس اصول کلی حقوقی، همواره مسئولیت خسارات ناشی از قصور آژانس یا کارمندان خود را در حین انجام وظایف خویش پذیرفته است. شایان ذکر است که در دو وضعیت ممکن است دعوایی راجع به مسئولیت آژانس طرح شود. اول آنکه فعالیتهای آژانس در داخل سرزمین یک دولت باعث ایجاد سانحه منجر به خسارت به اشخاص یا اموال شود. چنین امری ممکن است ناشی از اعمال بازرسان آژانس یا تجهیزات تعبیه شده آنها در تأسیسات هسته ای باشد. دوم خساراتی که به خاطر افشای اسرار تجاری، صنعتی یا دیگر اطلاعات محرمانه تحصیل شده توسط آژانس ایجاد می گردد. کلیه موافقتنامه های منعقد شده آژانس با دولتها، متضمن تعهدات آژانس در مورد رفتار و عملکرد بازرسان و حمایت از اطلاعات تحصیل شده می باشد. آژانس ملزم شده

56. Seyersted Finn, "United Nations Forces, Some Legal Problems", BYIL., 1961, p. 421.

57. Bowett, Ibid., pp. 246-247.

است که در صورت نقض این تعهدات به دولت زیان‌دیده غرامت بپردازد.<sup>۵۸</sup>

برخی مواقع یک دولت از رهگذر توافق با سازمان، مسؤولیت ناشی از اعمال کارمندان و مأموران آن را عهده دار می‌گردد، مثل موافقتنامه ۲۱ می ۱۹۶۸ میان سازمان ملل متحد و برخی آژانسهای تخصصی آن با دولت استرالیا. بخوبی پیداست که این‌گونه موارد منصرف از مسأله انتساب عمل خلاف سازمان به دولت دیگر بوده، بلکه موضوع صرفاً پذیرش آثار و نتایج عمل سازمان توسط آن دولت از رهگذر معاهده ای خاص می‌باشد. چنین امری در چارچوب مسؤولیت غیرمستقیم یا مسؤولیت ناشی از عمل دیگری جای می‌گیرد.<sup>۵۹</sup>

میان اعمال انتسابی به یک سازمان و خسارات ادعایی باید رابطه سببیت وجود داشته باشد.<sup>۶۰</sup> لیکن گاه ممکن است اسباب متعددی به انحاء گوناگون باعث بروز ضرر شده باشند. از این رو باید معلوم شود که کدامیک از آنها علت حقیقی ورود خسارت بوده است. رویه قضایی دیوان دادگستری جوامع اروپایی مبین آن است که رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل خلاف و خسارات وارده باید مستقیم، فوری و انحصاری باشد.<sup>۶۱</sup>

بی تردید در صورتی که عمل خلاف کارمند و مأمور یک سازمان بین المللی به آن سازمان منتسب نشود وی شخصاً باید از عهده جبران خسارات وارده برآید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

58. Rockwood. L, "Responsibility of the International Organization and of Its Civil Servants", In Daniel Bardonnet (ed), "The Convention on the Prohibition and Elimination of Chemical Weapons: A Breakthrough in Multilateral Disarmament", RCADI, workshop, Martinus Nijhoff, 1995, pp. 376-379.

59. YILC., 1975, vol. II., p. 89.

60. CASE 59/83, Biovila v. European Economic Community, 1984, E.C.R., 4057, at 4075.

61. CASE 153/73, Holtz and Willemsen v. Council, 1974, E.C.R., 675, at 693.

علی‌رغم این امر که کمیسیون حقوق بین‌الملل با مطالعات خود سالهاست که باب بحث راجع به مسؤولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده توسط حقوق بین‌الملل را گشوده است، اما هنوز اساس مسؤولیت بین‌المللی، نقض یک قاعده حقوق بین‌الملل می‌باشد (پاراگراف (ب) ماده ۳ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولتها).

مبنای یک التزام بین‌المللی، تعهد یک یا چند تابع حقوق بین‌الملل در قبال یک یا چند تابع دیگر می‌باشد<sup>۶۲</sup> و نقض قاعده حقوق بین‌الملل نیز هنگامی محقق می‌شود که فعل یا ترک فعل ارتكابی، مطابق با آنچه تعهد ذی‌ربط لازم شمرده است نباشد (ماده ۱۶ طرح پیش‌نویس کمیسیون).

هر سازمان بین‌المللی به تبع تعهدات بین‌المللی ای که عهده دار شده است در صورت نقض آن تعهدات دارای مسؤولیت بین‌المللی خواهد شد.<sup>۶۳</sup> به دیگر سخن «مسؤولیت در قبال خسارت بر پیش‌فرض عدم مشروعیت یا غیرقانونی بودن اعمال ادعایی مبتنی می‌باشد. فقدان مشروعیت نیز خود متضمن یک سلسله مراتب میان قواعد و به بیان دقیق‌تر مجموعه برتر از قواعدی است که درستی اعمال براساس آنها سنجیده می‌شود.»<sup>۶۴</sup> این قاعده برتر در سازمانهای بین‌المللی، سند مؤسس سازمان می‌باشد که در حکم قانون اساسی سازمان بوده و معیار سنجش اعتبار اقدامات و تصمیمات سازمان، ارگانها و مأموران آن می‌باشد. برای مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه هزینه‌های خاص ملل متحد، به صراحت اهداف و اشتغالات سازمان را برای احراز مشروعیت بکارگیری نیروهای ملل متحد؛ و حق سازمان برای ایجاد آنها را مورد توجه قرارداد. از آنجا که دیوان دریافت چنان عملی

62. Thirlway H., "The Law and Procedure of the International Court of Justice 1960-1989 (Part seven)", BYIL., 1995, p. 49.

63. YILC., 1975., vol. II, p. 88.

64. Grabitz E., "Liability for Legislative Acts", In schermers and others., op. cit., p. 4.

در قلمرو اشتغالات سازمان جای می گیرد آن عمل را قانونی قلمداد کرد.<sup>۶۵</sup> بنابراین روشن است که اثبات انتساب عمل ادعایی به سازمان، و وجود رابطه سببیت میان آن عمل و خسارات وارده مسؤولیت بین المللی سازمان مربوط را محقق نمی سازد، مگر آنکه عمل مذکور به منزله نقض تعهدات و التزامات قراردادی و غیرقراردادی آن سازمان باشد. این مسأله به وضعیت حقوقی هر سازمان در قبال دول عضو و غیر عضو بستگی دارد و از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت می باشد.<sup>۶۶</sup>

همانطور که خاطر نشان شد، سازمانهای بین المللی هویتی ذاتی نداشته و اسناد مؤسس سازمانها، علاوه بر اینکه بدانها موجودیت می بخشند، حیطة اختیارات و صلاحیتهای آنها را نیز معین می سازند. به همین خاطر «بارشد سازمانهای بین المللی این فرصت فراهم آمده است تا قاعده تجاوز از حدود اختیارات (Ultra vires)<sup>۶۷</sup> در حقوق بین الملل همانند نظامهای داخلی اهمیت یابد.»<sup>۶۸</sup> هر چند دیوان بین المللی دادگستری بنا به ملاحظات حقوقی و عملی در قضایای هزینه های خاص ملل متحد (۱۹۶۲) و نامیبیا (۱۹۷۱) اختیارات سازمان

65. ICJ Reports, 1962, p. 167.

66. Ginther, op. cit., p. 162.

۶۷. شایان ذکر است که میان قاعده تجاوز از حدود اختیارات و اصل سوء استفاده از قدرت [Détournement de Pouvoir] تفاوتی ظریف وجود دارد. اصل اخیر هنگامی اعمال می شود که شخصی که از عمل به تشخیص و صلاحدید خود برخوردار شده است، در جریان کار از این اختیار خود نه برای نقض یک مقرر قانونی، بلکه در راستای هدفی جز آنچه که مقصود بوده است استفاده کند. در واقع تمایز منطقی میان دو اصل فوق آن است که تجاوز از حدود اختیارات به عنوان عملی است خارج از حدود اختیارات اعطا شده؛ ولی دومی عملی است که در چارچوب آن قالبها، اما برای نیل به هدفی نامناسب و نادرست صورت می گیرد. سوء استفاده از قدرت در صورتی در مورد یک سازمان بین المللی مصداق پیدا می کند که آن سازمان در اعمال قدرت تشخیص خود (۱) شرایطی بر اعضایش تحمیل کند که برای نیل به هدفی که بدان خاطر اعطای اختیار شده، ضروری یا مناسب نباشد یا (۲) عملی اداری باشد که گرچه سند مؤسس سازمان آن را منع نکرده است اما با قلمرو و موضوعات کاری آن سازمان ناسازگار، یا خارج از آن حیطة ها می باشد: رک.

Fawcett J.E.S, "Déournement de pouvoir by international organizations", BYIL., 1957, pp. 311-317.

68. Osieke E., "Ultra vires Acts in International Organizations, The Expiencie of the International Labour Organization", BYIL., 1976-1977, p. 260.

را با اهداف آن پیوند زد و ابراز داشت اگر سازمان عملی اتخاذ کند که برای اجرای یکی از اهداف آن مناسب باشد فرض بر آن است که چنان عملی تجاوز از حدود اختیارات سازمان نیست.<sup>۶۹</sup> با وجود این، منظور از نقض تعهد بین المللی، تعهد به معنای عام آن می باشد که محدود به نقض سند مؤسس توسط سازمان نمی شود. واضح است که قاعده تجاوز از حدود اختیارات اصولاً توسط دول عضو سازمان و در اوضاع و احوال خاصی قابل استناد می باشد، در حالی که دول غیر عضو سازمان، اگر به خاطر اقدامات سازمان متحمل خسارت شوند باید نقض حقوق بین الملل عام یا تخطی از قراردادهای خاص منعقد شده با سازمان را اثبات نمایند. نقش اصلی دکترین اختیارات در مورد یک سازمان بین المللی تضمین آن است که سازمان مزبور در روابط خود با دول عضو به نحو توافق شده عمل کند. این دکترین محوری اصلی برای انتساب خسارت، میان سازمان و طرفهای ثالث نمی باشد.<sup>۷۰</sup>

روشن است که یک سازمان بین المللی نمی تواند به منشور و اساسنامه خود به عنوان توجیهی برای قصور از اجرای یک تکلیف حقوقی استناد جوید.<sup>۷۱</sup> این اصل خود یکی از مستقرترین اصول موجود در عرصه مسؤولیت بین المللی دولتها می باشد،<sup>۷۲</sup> که به لحاظ ضرورت منطقی در مورد سازمانهای بین المللی نیز قابل اعمال است. البته عده ای معتقدند نقش عملی اختیارات در وضعیتی نمایان می شود که یک سازمان کاملاً و به صورت آشکار، خارج از قلمرو وظایف و اشتغالات اساسنامه ای خود عمل کند. در آن صورت این استدلال که دول عضو از آن سازمان به عنوان حربه یا ابزاری برای اعمال خود استفاده کرده اند قویتر خواهد بود؛<sup>۷۳</sup> و در نتیجه مسؤولیت عمل مذکور نه بر عهده سازمان، بلکه متوجه آن دسته از دولتهای عضوی است که از آن تصمیم حمایت کرده اند. بی تردید این امر فقط

69. ICJ Reports, 1962, p. 168. and 1971, p. 22.

70. Crawford, In YIIL., 1995, p. 335.

71. Shihata, Ibid., p. 314.

72. Thirlway, op. cit., p. 59.

73. Crawford, Loc. cit.



در صورتی مصداق عینی می یابد که نوعی مسؤولیت متقارن یا فرعی برای دول عضو هر سازمان بین المللی قائل شویم.<sup>۷۴</sup> مع هذا حتی علی رغم عبور از این مانع، تجزیه اعمال دولتها در قالب یک شخصیت حقوقی واحد، خود نتایج و آثار نامطلوبی به بار می آورد که قبلاً بدانها اشاره داشتیم. برخی حتی گام را فراتر نهاده و معتقدند که عمل خارج از حدود اختیارات متضمن مسؤولیت سازمان نخواهد بود، بلکه مستقیماً موجب مسؤولیت مشترک و انفرادی دول عضو سازمان می شود.<sup>۷۵</sup> به خوبی پیداست که چنین ادعایی با اصل استقلال شخصیت حقوقی سازمان مغایر بوده و معتبر نیست.

## ۵

هنگامی که دولتی مدعی است خسارت مالی یا جانی وارد به یکی از اتباع وی، ناشی از نقض یک قاعده حقوقی بین المللی بوده است، بر اقدامات او در زمینه حمایت سیاسی و یا قضایی اثری مترتب نیست مگر آنکه شخص خسارت دیده قبلاً برای احقاق حق خود به دادگاههای کشوری که در آنجا به او خسارت وارد شده است مراجعه و کلیه مراحل دادرسی را پیموده باشد.<sup>۷۶</sup> بر اساس رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه اینترهاندل اگر دولتی بخواهد به ادعای نقض حقوق تبعه خود در کشور دیگر، از باب حمایت دیپلماتیک دعوی وی را علیه آن دولت طرح نماید دولت اخیر باید فرصت جبران نقض حقوق مذکور را پیشتر در چارچوب نظام حقوقی داخلی خود داشته باشد.<sup>۷۷</sup> مبنای این قاعده احترام به حاکمیت و صلاحیت داخلی دولت ذی ربط در رسیدگی به آن مسأله از طریق ارگانهای قضایی یا دیگر نهادهایش می باشد. در غیر این صورت بیگانه فردی ممتاز تلقی شده و در

74. Amerasinghe, In YIIL., op.cit., p. 360.

75. Hohenveldern, In YIIL., Ibid., p. 371.

76. YIIL., 1956., p. 358.

77. ICJ Reports, 1959, p. 27.

صورت پدید آمدن کوچکترین مشکلی با دولت محلی می تواند فوراً پای دولت متبوع خود را به میان کشد و از نفوذ سیاسی اش استفاده کند. چنین مداخله دیپلماتیک زودرس و نابهنگامی به منزله توهینی به استقلال حکومت محلی و اقتدار قوانین و محاکم آن تلقی می شود که تمام اشخاص (تحت حاکمیت و صلاحیت دولت) تابع آن هستند.<sup>78</sup> قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی در ماده ۲۲ طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل راجع به مسؤولیت بین المللی دولتها نیز گنجانده شده است.

حال این سؤال مطرح می گردد همانند حمایت سیاسی ای که دولتها از اتباع خود در قبال دیگر دول می نمایند آیا قاعده مراجعه مقدماتی به مراجع داخلی در مورد سازمانهای بین المللی هم اعمال می شود؟ به دیگر سخن آیا سازمانهای بین المللی حق دارند که آیینهای جبرانی برای زیاندریده قرار دهند و آیا وی ملزم است قبل از درخواست حمایت سیاسی از دولت متبوع خود، این مراحل را طی کند؟

پاسخ به این سؤال به لحاظ فلسفه ایجاد چنین قاعده ای مثبت است. زیرا به لحاظ تقلیل موارد اصطکاک و برخورد میان دولتها و سازمانهای بین المللی، ثبات روابط بین المللی بهتر تأمین می شود. در این مورد می توان مجدداً به رأی دیوان در قضیه اینترهاندل استناد جست آنجا که اعلام داشت: «هرگونه تمایز میان دعاوی مختلف یا محاکم گوناگون تا آنجا که به قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی مربوط می شود بی پایه و اساس است».<sup>79</sup> بدین لحاظ دعاوی مطروحه علیه سازمانهای بین المللی فقط زمانی می تواند به عنوان دعاوی بین المللی طرح شود که مرحله جبرانهای داخلی طی شده باشد. پیمودن جبرانهای داخلی یک سازمان معمولاً به معنای آن است که یک دعوا باید نزد ارگان صالح آن سازمان طرح شده باشد.<sup>80</sup> برخی سازمانهای بین المللی خود محکمه ای دارند که می تواند مسؤولیت آن

78. Aréchaga and Tanzi, op. cit., p. 373.

79. Ibid., p. 29.

80. Schermers, op. cit., supra note 32, pp. 937 - 938.

سازمان را احراز کرده و خسارات احتمالی را تعیین کند؛ مثل دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار و دیوان دادگستری جوامع اروپایی. علاوه بر این در مورد مسئولیت بین‌المللی جامعه اروپا، جبرانهایی می‌تواند در داخل سیستم قضایی و اجرایی دول عضو وجود داشته باشد به ویژه زمانی که مسئولیت مبنای خود را در اعمال یا ترک فعلهای مقامات ملی بیابد.<sup>81</sup>

با وجود این نباید فراموش کرد که اغلب سازمانهای بین‌المللی دارای یک سیستم قضایی یا وسایل جبران محلی مثل دولتها نیستند تا شرط لزوم گذراندن مقدماتی مراجع داخلی در مورد آنها مصداق عینی بیابد. در چارچوب سازمان ملل متحد شخص خسارت دیده باید دادخواست خود را تسلیم دبیرکل سازمان ملل کند و بخش حقوقی دبیرخانه دعوی وی را تعقیب می‌کند. حال اگر بخش حقوقی دبیرخانه دعوا را رد کند براساس موافقتنامه مقرر، این دعاوی باید به محاکم ایالات متحد ارجاع شود (قسمت هفتم معاهده مقرر).

بدیهی است که اگر یک سازمان با استناد به قاعده جبرانهای داخلی به یک دعوا ایراد نماید باید خود وجود آیینهایی را ثابت کند که مورد استفاده خواهان قرار نگرفته است. در این صورت اثبات بیهودگی یا عدم کفایت آن جبرانها به عهده خواهان می‌باشد.

مع‌هذا شایان ذکر است اگر تبعه خارجی را ملزم به مراجعه به محاکم داخلی دولت عامل خسارت می‌نماییم این امر بدان خاطر است که آن بیگانه دارای ارتباط و پیوند ارادی خاص با دولتی است که اعمالش را مورد اعتراض قرار داده است مثل اقامت در سرزمین آن دولت، مالکیت اموال مستقر در آنجا، فعالیتهای تجاری و ...<sup>82</sup> اما پر واضح است که چنین رابطه‌ای ارادی و داوطلبانه میان یک سازمان بین‌المللی و اتباع دولتها (حداقل در مورد دولت غیر مقرر) به لحاظ سکونت، اقامتگاه و محل استقرار اموال بسی دور از ذهن می‌نماید، زیرا سازمان بین‌المللی برخلاف دولت دارای سرزمین و قلمروی مخصوص به خود

81. Gaja, op. cit., p. 173.

82. Aréchaga and Tanzi, op. cit., p. 375.

نیست<sup>۸۲</sup> تا چنان پیوندهایی پدید آید. علاوه بر این جستجوی چنین رابطه ارادی در خود آن عمل غیرقانونی، دور از عقل و منطق حقوقی می نماید. از این رو الزام فرد زیان‌دیده به حضور در کشور محل استقرار سازمان و توسل به مراجع مربوطه تکلیفی شاق و دور از انصاف است.<sup>۸۳</sup> در مورد دولتها در وضعیتهای مشابه راه حل اتخاذی آن است که استفاده از قاعده جبرانهای محلی اختیاری باشد نه الزامی، و به صلاح‌دید شخص زیان‌دیده واگذار شود. این راه حل در ماده ۱۱ کنوانسیون راجع به مسؤولیت بین‌المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی اتخاذ شده است. همچنین این فرمول برای موارد خسارت زیست محیطی فرامرزی توصیه شده است.<sup>۸۴</sup> به نظر می‌رسد تجویز چاره اخیر در مورد سازمانهای بین‌المللی ضرورت بیشتری داشته باشد. به خوبی پیداست که هر چند قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی در مورد سازمانهای بین‌المللی مستثنی نشده است اما در این عرصه، حقوق باید در جهات مختلف توسعه یابد.<sup>۸۵</sup>

۸۳. البته گاه ممکن است سازمانی بین‌المللی عهده دار اداره سرزمینی خاص برای مدتی معین شود. برای مثال در جریان وظایف محوله به ملل متحد توسط هلند و اندونزی که مورد تأیید مجمع عمومی هم قرار گرفت، سازمان اقدامات اجرایی موقتی را از ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۲ تا ۳۱ مارس ۱۹۶۳ در سرزمین گینه نو غربی (ایرین غربی) از طریق مقام اجرایی موقتی ملل متحد تحت نظر مدیر انتصابی دبیرکل سازمان ملل متحد اعمال نمود. همچنین متعاقب قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای ملل متحد برای نامیبیا عهده دار انجام وظایف و مسؤولیتهای معین در داخل آن سرزمین گردید. با وجود این نباید فراموش کرد که در این موارد اداره سرزمینی خاص به سازمانی بین‌المللی واگذار شده است و این امر یقیناً به معنای آن نیست که سرزمینهای مورد بحث قلمرو سازمان شده باشند: رک. YILC., 1975, vol. II, p. 87.

۸۴. تردیدی نیست که چنین محظوری فقط در مورد خسارات ایجاد شده در خارج از قلمرو کشور مقر سازمان وجود خواهد داشت.

85. Aréchaga and Tanzi, Loc. cit.

86. Trindade. C., "Exhaustion of Local Remedies and the Law of International Organizations", RDISDP., 1979, p. 108.



سازمانهای بین‌المللی ماهیتاً ناچار هستند در قلمرو دولتها مستقر گردند و با تشکیل جلسه دهند؛ و در نتیجه اعمال ارگانها و کارمندان آنها در سرزمین تحت صلاحیت یا کنترل یک دولت محقق می‌شود. به عنوان قاعده‌ای کلی دولتها از رهگذر انعقاد موافقتنامه‌های خاص با سازمانهای بین‌المللی بدانها اجازه می‌دهند تا در سرزمین آنها مستقر گردند و به انجام فعالیتهای معین مبادرت ورزند.

اما برای آنکه سازمانهای بین‌المللی از مداخله دولت مقر یا میزبان برکنار بمانند و بتوانند مستقلاً به اهداف خود جامه عمل بپوشانند، از مصونیت بین‌المللی برخوردار شده‌اند. بر این اساس شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی توسط مقررات راجع به مصونیتها و مزایای سازمانها تقویت شده است.<sup>87</sup> در واقع برای آنکه سازمانهای بین‌المللی به طور مؤثر عمل کنند آنها نیازمند حداقل آزادی و امنیت حقوقی برای اموال، ساختمان مقر، تأسیسات، پرسنل و نمایندگان مدعو دول عضو هستند.<sup>88</sup> با وجود این «در حالی که مبنای مصونیت دولتها اصل برابری حاکمیتها می‌باشد؛ علت برخورداری سازمانهای بین‌المللی از مزایا و مصونیتهای بین‌المللی در ضرورتی کارکردی نهفته است».<sup>89</sup> به همین خاطر است که ماده ۱۰۵ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: سازمان و کارمندان آن از مزایا و مصونیتهایی که برای نیل به اهداف سازمان و اجرای مستقل وظایف آن لازم است برخوردار می‌باشند.

در راستای ماده ۱۰۵ و در قالب ماده ۱۳ منشور، مجمع عمومی مأموریت یافت، معاهداتی را در این مورد به اعضای ملل متحد پیشنهاد کند. از این رهگذر

87. Friedmann W., "The Changing Structure of International Law", Columbia University Press, 1964., p. 288.

88. Brownlie, op. cit., supra note 21, p. 684.

89. Alhuwalia, "The Legal status, Privileges and Immunities of the Specialized Agencies of the United Nations and Certain other International Organizations," 1964, p. 199.

کنوانسیون راجع به مزایا و مصونیت‌های ملل متحد مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ کنوانسیون مربوط به مزایا و مصونیت‌های آژانس‌های تخصصی در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ به امضا رسیدند. کنوانسیون وین ۱۹۷۳ نیز در مورد نمایندگی دولتها در روابطشان با سازمانهای بین‌المللی واجد ماهیت جهانی، مقرراتی را در مورد مصونیت سازمانها و اموال آنها پیش‌بینی نمود. همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان راجع به ممنوعیت سلاحهای شیمیایی، در سرزمین دول عضو از مزایا و مصونیت‌هایی که برای اجرای وظایفشان ضروری است برخوردار شده‌اند (بند A ماده ۱۵ اساسنامه آژانس، کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس راجع به خلع سلاح شیمیایی، ماده ۸ بند E پاراگراف ۴۸).

واضح است هر عملی که صدور آن از جانب دولت بتواند مسؤولیت‌زا باشد اگر از جانب یک سازمان بین‌المللی انجام پذیرد نیز، مسؤولیت آن سازمان را دامن می‌زند؛<sup>۹۰</sup> منتها برخورداری سازمانهای بین‌المللی از مصونیت باعث می‌شود که نتوان آنها را به علت ارتکاب عمل خلاف نزد محاکم داخلی تعقیب کرد یا حکم صادره را علیه آنها به اجرا گذاشت (مصونیت صلاحیتی و مصونیت اجرایی). با وجود این کشورهای عضو سازمانها، از آنها انتظار دارند که شهروندان بین‌المللی خوبی باشند؛ و به همین خاطر آنها را از پنهان شدن در پشت حجاب مصونیت‌های شغلی خود، برای گریز از ایفای مسؤولیت‌های قراردادی یا غیرقراردادی شان منع کرده‌اند. از این رو سازمانها فقط می‌توانند از مصونیت خود برای جلوگیری از تعقیب در یک دادگاه ملی یا مراجع نامناسب دیگر استفاده کنند.<sup>۹۱</sup> در واقع مصونیت، سازمان را از صلاحیت ایمن می‌سازد نه اینکه سدی نفوذ ناپذیر در برابر مسؤولیت ماهوی باشد، و مصونیت از صلاحیت هیچگاه به معنای استنکاف از اجرای عدالت نبوده است.<sup>۹۲</sup> البته باید به این نکته ظریف توجه داشت که مسؤولیت بین‌المللی سازمانها معمولاً در سطح مراجع قضایی و داوری بین‌المللی مطرح

90. Brownlie, op.cit., p. 688.

91. Szasz P. C., "The United Nations Legislates to Limit its Liability", AJIL., 1987, vol. 81, No. 3, p. 739.

92. Rockwood, op. cit., pp. 376- 387.

می‌شود؛ مراجعی که استناد به مصونیت در قبال مسؤلیت اعمال ارتكابی در نزد آنها قانوناً منتفی می‌باشد.

برخی از حقوق‌دانان با تمایز قایل شدن میان اعمال تصدی و اعمال حاکمیت سازمانهای بین‌المللی بر این باورند که یک سازمان بین‌المللی فقط تا آنجا تابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که حقوق وی واجد کیفیت اعمال حاکمیت باشد. اینها تا بدانجا پیش رفته‌اند که با طبقه‌بندی نهادهای بین‌المللی دخیل در اعمال تصدی، به عنوان مؤسسات بین‌الدول و نه سازمانهای بین‌المللی، آنها را فاقد شخصیت بین‌المللی قلمداد کرده‌اند. " واضح است که تفاوت میان اعمال حاکمیت و تصدی طبیعتاً در چارچوب موضوع مصونیت مطرح می‌شود نه در قالب شخصیت حقوقی یا مسؤلیت سازمان؛ و این ادعا که شخصیت حقوقی یک سازمان بین‌المللی محدود به اعمال حاکمیت می‌شود هیچ حمایتی را در رویه بین‌المللی به خود اختصاص نداده است. " علاوه بر این سازمانهای بین‌المللی ضمن برخورداری از مصونیت، با دست‌یازیدن به بیمه و ایجاد صندوقهای جبران خسارت تا حد زیادی اعتماد دولتها را در این عرصه جلب کرده‌اند. همچنین «اگر سازمان در مواردی معین مایل به اعراض از مصونیت خود نبوده» و نیز فاقد ارگان قضایی صالح باشد آن سازمان باید بر حل و فصل دوستانه اختلاف یا داوری گردن نهد. "»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

93. Hohenveldern I. S., "Corporations in and under International Law", 1988, pp. 72-121., In YIIL., 1995, op.cit., pp. 254-255.

94. Shihata, Ibid., p. 311.

۹۵. برخی مواقع از لحاظ حقوقی، اختیار اعراض از مصونیت از سازمان سلب شده است. برای مثال براساس قسمت سوم معاهده مزایا و مصونیت‌های ملل متحد، انصراف از مصونیت اجرایی توسط سازمان ملل متحد ممنوع شده است.

96. Schermers, op.cit., supra note 32, p. 780.

## ● نتیجه

در چارچوب هر نظام حقوقی، همه تابعان یکسان نبوده و از خصایص واحدی برخوردار نیستند. ولی آنچه مسلم است برای تابع حقوق بودن در زمره عناصر اساسی، پذیرش مسؤولیت فعل یا ترک فعلی است که به منزله نقض قواعد آن نظام حقوقی به شمار می آید.<sup>۹۷</sup> اصل مسؤولیت از اصل اجرای با حسن نیت تعهدات حقوقی بین المللی نشأت می گیرد، و یکی از شیوه های اساسی تقویت نظام حقوقی بین المللی مسدود ساختن راه گریز از مسؤولیت است.<sup>۹۸</sup>

اینک عموماً پذیرفته شده است که کلیه سازمانهای بین المللی عام از شخصیت حقوقی بین المللی برخوردارند.<sup>۹۹</sup> علاوه بر این اقدامات اجرایی و عملی سازمانهای بین المللی بیش از پیش فزونی یافته است. به همین خاطر مسؤولیت بین المللی سازمانهای بین المللی به عنوان تابعان حقوق بین الملل و نقش بسیار مهم آنها در عرصه روابط بین المللی از اهمیتی ویژه برخوردار است.

با وجود این حقوق ناظر بر مسؤولیت بین المللی سازمانهای بین المللی مراحل اولیه تکوین و توسعه خود را طی می کند و پاسخی جامع و قانع کننده برای بسیاری از مسائل مطروحه در این عرصه ارائه نمی نماید. اینکه تا چه حد کمبودها و ابهامات حقوقی موجود در این عرصه را می توان با استناد به اصول کلی حقوقی، یا قیاس با حقوق مسؤولیت بین المللی دولتها برطرف نمود مسأله ای است که نیاز به تأمل بیشتری دارد. کمیسیون حقوق بین الملل با وجود اینکه خاطر نشان ساخته که مسؤولیت سازمانهای بین المللی ضرورتاً تابع همان قواعد حاکم بر مسؤولیت دولتها نیست<sup>۱۰۰</sup>، لیکن یکسره منکر قابل استفاده بودن اصول مسؤولیت بین المللی دولتها

97. Menon, op. cit., p. 75.

98. Lukashuk I.I., "Introduction to Competence and Responsibility of States", In Bedjaoui, op. cit., p. 305.

99. Schermers H. G., "The International Organizations", In Bedjaoui, Ibid., p. 74.

100. YILC., 1975, vol. II, p. 90.



در پهنه حقوق سازمانهای بین‌المللی نشده است. از این رو می‌توان با توجه به ساختار و ویژگیهای سازمانهای بین‌المللی، تا حدی از رویه‌ها، اسناد و اصول و قواعد مسؤلیت بین‌المللی دولتها بهره‌جوییم. هرچند نباید از استقلال برخی جوانب حقوق حاکم بر مسؤلیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی غافل شد؛ با وجود این به دلیل افزایش تعداد و اشتغالات روزافزون سازمانهای بین‌المللی، تنظیم کنوانسیون‌های جامع در مورد حقوق مسؤلیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی ضروری می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز  
پرتال جامع علوم انسانیت